ازدواج مجدد بعد از طلاق

ازدواج مجدد:

اغلب هر دختر و پسری در زمان آشنایی و ازدواج، در ذهن خود شریک اول و آخر زندگی خود را انتخاب می کنند و با این تصور زندگی مشترک را آغاز می کنند که با لباس سپید وارد شده و با کفن سفید از آن خارج شوند. اما گاه در زندگی مسائلی پیش می آید که ادامه زندگی با فرد مقابل را غیر ممکن می سازد. در این صورت زوجین یا اقدام به جدایی نموده و قدم در راه ازدواج مجدد می گذارند یا در مواردی، ازدواج دوم مرد اتفاق می افتد. یکی از مشکلات رایج بعد از طلاق یا بهم خوردن نامزدی، مشکل در تصمیم گیری برای ازدواج دوم و نداشتن اعتماد به نفس برای انتخاب درست همسر و ترس از شکست دوباره در ازدواج دوم است.

اکثر اقایان برای جلوگیری از احساس تنهایی و انجام امور شخصی تن به ازدواج مجدد می دهند و طبق آماری که براورد شده است اکثر خانم ها به دلیل مسایل و مشکلات مالی تن به ازدواج مجدد میدهند .

مردان زنان گاهی متهم می‌شوند؛ متهم به اینکه تمام شدن یک زندگی یا رابطه احساسی برایشان بی اهمیت بوده است . اما چرا این باور عمومی شده؟ چرا مردها زنهایمان را عموما بی‌احساس و البته آسیب‌ناپذیر می‌دانیم و فکر می‌کنیم موجودات بدجنسی هستند که تازه بعد از جدایی احساس خوشایندی دارند؟ شاید یکی از دلایل این تهمت! قدیمی استفاده اکثر آقایان از راه‌حل نامناسبی باشد که متأسفانه به‌عنوان نخستین راه‌حل به فکر خیلی‌هایشان خطور می‌کند؛ راه‌حلی به اسم ارتباط جدید. واقعیت این است که مردها هم مثل زنان اما باتوجه به شرایط و خصوصیاتشان جدایی را همراه با درد و رنج تحمل می‌کنند. اما برخلاف زن‌ها و البته برای فرار از زیر بار جدایی فکر می‌کنند باید سریعا رابطه جدیدی را شروع کنند. بسیاری از افراد مطلقه، تمایل به تشکیل دوباره زندگی مشترک و ازدواج مجدد دارند. آنها همواره ترسی ناشی از شکست قبلی همراه علاقه شخصی خود به ازدواج دارند. بسیاری از ازدواج‌های اول با دو جوان شروع می‌شود که واقعیات زندگی آنها را محدود نکرده است. آنها می‌توانند هرچیزی بخواهند را به دست آورند. آنها رویاهای بسیاری دارند. هر چیز امکان‌پذیری از نظر آنها موجود و در دسترس است. اما با گذشت سال‌ها، و پس از ورود آنها به دهه سی یا چهل زندگی، افراد بالغ شده و متوجه می‌شوند که زندگی به هر حال می‌گذرد، مهم نیست که شما برای آن برنامه‌ریزی کرده باشید یا نه. ازدواج دوم این چنین است. ازدواج دوم مانند این است که نسخه‌ی بالغِ افراد مجددا ازدواج کنند. اکنون سن تان کمی افزایش یافته و با واقعیات ناملایم زندگی آشنا شده‌اید. بنابراین در ازدواج‌های دوم سردرگمی کمتری وجود داشته و زندگی روزانه در آن جدی‌تر خواهد بود.

شرایط ازدواج مجدد برای زنان مطلقه یا زنانی که شوهر آن فوت کرده است، تنها شامل این است که زن ۳ ماه عده پس از جدایی نگاه دارد و به محض دیدن عده سوم می تواند به عقد مرد دیگری درآید. همچنین برای مردان در مورد ازدواج با زن مطلقه، آن ها باید صبر کنند تا عده زن گذشته و سپس او را عقد کنند.

یکی از مهمترین چالش های ازدواج مجدد مردان بعد از طلاق، عدم تمایل آنها به ازدواج است. در واقع مردان بعد از طلاق، شانس کمتری برای ازدواج مجدد نسبت به زنان دارند و این مسأله میتواند دلایل اخلاقی, روانی و فرهنگی زیادی داشته باشد.

شرایط ازدواج مجدد مرد متأهل

از نظر اسلام، در صورتی که مردی ضرورت را حس کند و بتواند تعادل بین زوجین را حس کند، اجازه دارد تا ۴ همسر اختیار کند. در حالت کلی ازدواج مجدد بدون اجازه همسر مانعی ندارد مگر آنکه زن، در شروط ضمن عقد خود عنوان کرده باشد که مرد بدون اجازه وی همسر دیگری نگیرد.

بنابر ماده ۱۶ قانون حمایت از خانواده مصوب مصوب سال ۱۳۵۳که به قانون جدید ازدواج مجدد معروف است، شرایط گرفتن زن دوم شامل موارد زیر است

1. **اگر همسرش فوت شده باشد، در صورت اقدام خیلی سریع برای تشکیل مجدد خانواده، به بی مهری و عدم علاقه به همسر قبلی خود متهم می شود.**
2. **اگر همسرش طلاق گرفته باشد و خیلی زود برای ازدواج دوم اقدام کند، ممکن است شائبه حضور فرد جدید از قبل از جدایی در زندگی آن مرد پررنگ شود و اطرافیان گمان کنند علت جدایی آن مرد، ازدواج با همسر فعلی اش بوده است.**
3. **در صورت داشتن فرزند، باید فرزندش نیز با این عمل موافق بوده و شخص بعدی را به عنوان نامادری بپذیرد.**
4. **یکی دیگر از مسائلی که مردان طلاق گرفته با آن روبه رو هستند، پرداخت مهریه است. گاهی تا سال ها بعد از طلاق، پرداخت مهریه و یا نفقه اولادی که با مادرشان زندگی می کنند، مشکلات اقتصادی را برای مرد ایجاد می کند.**

همسر اول رضایت داشته باشد؛

همسر اول توانایی عمل به وظایف زناشویی خود را نداشته باشد؛

همسر اول از شوهر خود تمکین نکند؛

همسر اول دچار بیماری های صعب العلاج یا جنون باشد؛

زن اول مجرم یا معتاد باشد؛

زن توانایی باروری نداشته باشد؛

زن به هر نوعی زندگی را ترک کند یا مفقوالاثر شود.

برای دومین بار در مسیری مشابه قدم گذاشتن، شاید در نگاه اول راحت‌تر به نظر برسد، اما همیشه این طور نیست. بیشتر افراد وقتی بعد از طلاق دوباره تصمیم به تشکیل زندگی‌مشترک می‌گیرند، انتظار ندارند همان دردسرهایی که بار اول

آن‌ها را تحت تاثیر قرار داده بود، باز هم بر آن‌ها غلبه کند. آن‌ها دیگر تسلیم این زودباوری نمی‌شوند که «ما همدیگر را دوست داریم و فقط همین مهم است». تجربه به آن‌ها یاد داده است که چیزهای مهم دیگری هم وجود دارد و باید خود را آماده کنند. درصد طلاق در ازدواج دوم، بسته به علت آن، نسبتا بالا است. آمار موجود نشان می‌دهد که ۵۰ درصد از ازدواج‌های اول و ۶۷ درصد از ازدواج‌های دوم منجر به طلاق می‌شوند. چرا طلاق در ازدواج دوم بیشتر است؟ عوامل مختلفی باعث بالاتر بودن طلاق در ازدواج دوم می‌شوند اما یکی از عوامل موثر، این است که از آنجا که شخص یک بار طلاق گرفته، می‌داند که در ازدواج دوم نیز می‌تواند این کار را انجام دهد و طلاق خیلی هم برایش وحشناک نیست. این بدان معنی نیست که ازدواج دوم حتما به طلاق می‌انجامد، بلکه فقط به این معنی است که احتمال طلاق در ازدواج دوم بیشتر از ازدواج اول است. زن یا مردی که برای دومین بار ازدواج می‌کند تا زمانی که باقی مانده‌های هیجانی و احساسی رابطه قبلی را پاک سازی نکرده باشد، نمی‌تواند همسرش را دوست داشته باشد و به او عشق بورزد و اگر هر دو طرف، ازدواج دوم‌شان باشد، تلاشی مضاعف برای آماده شدن لازم است. بعد از طلاق یا فوت همسر، فرد قطعا به مدت زمانی برای بهبود روانی نیاز دارد که بهترین زمان آن ۱سال است؛ بنابراین بعد از جدایی از همسر فرد چه به واسطه طلاق و چه به واسطه فوت، چه فرزند داشته باشد و چه نداشته باشد هیچ وقت توصیه نمی کنیم که در فاصله زمانی کمتر از یک سال ازدواج مجدد داشته باشد چون این یک سال باید صرف بازیابی فرد از دردها، غم ها و آسیب های روانی شود و همه این موارد مانع از شکل گیری سریع یک رابطه تازه خواهد شد.

همه ازدواج های دوم اگر با بررسی های لازم انجام شده باشد به اندازه ازدواج اول شانس موفقیت دارند. بسیاری از کسانی که تجربه زندگی مشترک را دارند، قدر زندگی را بهتر می دانند. افراد معمولا پس از طلاق در حد و اندازه هایی نسبت به مشکلات خود در زندگی گذشته شان آگاهی پیدا می کنند که البته کافی نیست.

یکی از مهمترین مشکلات زنان پس از طلاق مشکلات مالی است، در بسیاری از موارد زن در مقابل طلاق از سوی شوهر از تمام حق و حقوق قانونی خود چشم پوشی می کند و از طرفی خانواده اش ممکن است تمکن مالی نداشته باشند و یا حتی والدینش در قید حیات نباشند . و این دلیل اصلی یک زن برای ازدواج مجدد است و در برخی کشورها حضور یک مرد به عنوان همسر در خانه باعث جلوگیری از بسیاری شرایط نامطلوب برای خانمها به همراه دارد و حس امنیت و آرامش را به خانم هدیه می دهد . هنوز در برخی کشور ها فرهنگ جدایی و طلاق جا نیوفتاده است

پروسه طلاق بسیار طولانی و کمر شکن هست و خانم ها موجوداتی عاطفی و شکننده، می باشند که وقتی گرفتار این موضوع می شوند در خود فرو می ریزند و مدت ها بعد از جدایی نمی توانند روحیه از دست رفته را باز یابی کنند و در برهه ای از زمان نسبت به مردان بد بین می شوند و فکر می کنند دیگر نمی توان به شخصی اعتماد کرد. البته وجود چنین دوره ای دور از ذهن نیست واتفاقا در این دوره ازدواج مجدد کار بسیار اشتباهی است لیکن نباید

گذاشت این دوره طولانی شود و در کوتاهترین زمان ممکن بایستی به این مسئله که کارشناسان دوران سوگواری می نامند پایان داد.

ازدواج مجدد با داشتن فرزند

معمولاً فرزندان اگر در سنین حساس کودکی یا نوجوانی باشند نسبت به ازدواج پدر یا مادرشان واکنش منفی نشان می‌دهند، اما نحوه رفتار فرزند در مقابل ناپدری یا نامادری بستگی زیادی به برخورد طرف مقابل دارد.

نکته بسیار مهم در این باره خودجوشی و طبیعی بودن عواطف و احساسات است.

فرد اگر به معنای واقعی همسرش را دوست داشته باشد به طور عادی فرزندان او را که حاصل ازدواج و زندگی گذشته‌اش هستند نیز دوست خواهد داشت. ولی طبق امار به دست آمده اکثر خانمها و آقایان با این موضوع به چالشی بزرگ بر میخورند که دوست ندارند گذشته ای از فرد مقابلشان در زندگیشان باشد و یا بخاطر حس منفی که نسبت به فرد قبلی در ذهن دارند با کودک هم برخورد نامناسبی دارند و این موضوع بعد از مدتی به صورت مشهود در زندگی شخصی نمایان می شود .

چنانچه فرد ملاحظه کند فرزندش نیز مورد علاقه و احترام همسرش است، چنین امری روی نگرش و علاقه‌مندی او نسبت به همسر دوم اثر مثبت و سازنده‌ای دارد.

حتی در بعضی موارد فرد با مشاهده بی‌مهری‌های همسر نسبت به فرزندش احساسی ناخوشایند نسبت به شریک زندگی خویش در ازدواج دوم پیدا می‌کند.

یکی از اشتباهاتی که گاهی افراد مرتکب می‌شوند، مجبور کردن فرزند به ویژه در سنین کم به گفتن «مامان» یا «بابا» به شخص تازه وارد در خانواده است؛ در حالی که کودک اگر خودش نخواهد طرف مقابل را مادر یا پدر خطاب کند، این اجبار اثر سوء خواهد داشت. و از لحاظ روانی فرد را تحت فشار قرار می دهد و در دراز مدت مشکلات زیادی را با خود به همراه خواهد داشت

مرکز مشاوره رازماندگار